

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

۲۰۰۹/۰۵/۱۱ - المان

چارپلاق

غندلک ، عاقبت نطاق شده

هم ز برنامه دار طاق شده

میدهـد ارتباط ما و شما

ظاهراً باعث وفاق شده

درخفا ، مرکز رذالت و فسق

خپ خپک رهبر فساق شده

لاف خدمت زند ، به هموطنان

وعده اش ، پُر پُف و پتاق شده

در دهانش ، زبان به مثل فنر

پاسُخش ، خیلی طمطراق شده

بازنان ، لحن او شکر ریزست

با همه مرد ، خشک و قاق شده

نظرش سوی بانوان جوان

کمر و پُشت و ران و ساق شده

حال ثابت شدی به اهل جهان

سخنانش دروغ و نفاق شده

موتر بنز اوست ، شش گزونیم

بکس جیبش ، همیشه چاق شده
 عصبی میشود به اندک حرف
 فَلَاق و دُرّه و شَلاق شده
 گر حریفی به او زند ، زنگی
 چون ترافیک و اشپلاق شده
 گر اذیت نمایدش ، شخصی
 همچو پوقانه انفلاق شده
 پای او گرد و پشت او لشم است
 چاپلوسانه ، چارپلاق شده
 هر طرف ، همچو ماش می نولّد
 پی شهرت ، به صد ملاق شده
 زانکه عرفان ما ، ز عُرفانش
 ساجق دان هر چتاق شده
 گرچه القاب اوست ، درجن و نیم
 پُوج اندیشه اش ، پراق شده
 هیچ آرام او نمی گیرد
 تاکه بر صورتش ، قفاق شده
 سیلی شعر ، در دل و جگرش
 خنجر و ، نیزه و ، یراق شده
 او که برنامه دار تحلیلی
 لقبش ، مرکز نفاق شده
 همچو قانغوزکی ، که پُندیده
 از حوادث ، به احتراق شده
 گهی میثاق و ، گاهی هم ، محراق
 آب و آتش به هم ، رفاق شده
 تاکه افغان ستان میهن ما
 بدتر از کشور عراق شده
 بادیانت و با سیاست ها
 گهی عقد و ، گهی طلاق شده

گهی یار و ، رفیق و گه دشمن
 لگد و ، مُشت و با جُمّاق شده
 بوی گندِ دهان و ، زیرِ بغل
 یخنِ چرکِ او ، بَرّاق شده
 مگسِ دوغِ دین و ، از مذهب
 باورش ، گُنگه و چَلّاق شده
 همچو دلال و ، کاسبِ فرهنگ
 کیسه مال و گهی حَلّاق شده
 شلّه مرد ها ، پَزَد آخر
 منع ، گر منقل و اُجاق شده
 « نعمتا » عفتِ کلام نگر
 کاسه صبر ، گر دِهاق شده

معانی بعضی از لغات :

* یَراق = سلاحهایی از قبیل شمشیر ، کمان ، سپر و امثال آنها
 * حَلّاق = سلمانی ، سر تراش * دِهاق = لبریز